

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و هفتم، شماره پیاپی ۹۴،
بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۵۸-۱۳۷

منابع درآمد مالی امویان در خراسان*

دکتر مریم سعیدیان جزی / استادیار دانشگاه اصفهان^۱

چکیده

خراسان پس از فتوح، تحت اداره خلافت اسلامی قرار گرفت و به خاطر دارا بودن منابع طبیعی و قرارگرفتن در مسیر تجارت بین المللی اهمیت ویژه ای پیدا کرد. این منطقه در صنایع محلی، محصولات کشاورزی و انتقال کالاهای شرقی سرآمد بود و منابع مورد نیاز سرزمینهای اسلامی را فراهم می نمود. برخی از سیاستهای امویان در خراسان برای بهره مندی از این امکانات و تقویت بنیه اقتصادی دولت خود بود. منابع درآمد مالی امویان در خراسان به سه دسته منابع شرعی، جعلی و عرفی تقسیم می شد. این مقاله بر آن است تا ضمن بازشناسی این منابع، زمینه ها و نتایج مترتب بر آن را نیز بازگو نماید. روش تحقیق، مطالعه تاریخی و به صورت تحلیلی و توصیفی می باشد که با استفاده از منابع اسلامی انجام گرفته است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که بخش مهمی از سیاست مالی امویان در خراسان برگرفته از تغییر در احکام مالی و به کارگیری قواعد سنتی و عرفی بود. در نتیجه به جز در موارد خاص و محدود پذیرش اسلام، تغییری در منابع مالی خراسان ایجاد نکرد. پیامد این امر گسترش نارضایتی های عمومی و ظهور جنبشهای اجتماعی متعدد بود.

کلیدواژه ها: امویان، مالیات، خراسان، ساسانیان، دهقانان.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۲/۰۳؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۰۳/۱۹

^۱ Email: msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

پیشینه اقتصادی خراسان بزرگ بیانگر آن است که این منطقه از سابقه خوب اقتصادی و تجاری برخوردار بوده و به دلیل قرارگرفتن در مسیر راههای بزرگ تجاری، توجه دولتهای اسلامی را به خود جلب می کرد. سؤال اصلی این پژوهش این است که سیاست مالی امویان در خراسان چه بود و آیا پذیرش اسلام، تأثیری بر مسئله مالیات و مالیات دهندگان داشت؟ در پاسخ به این امر باید گفت بخش مهمی از سیاست مالی امویان در خراسان برگرفته از تغییر در احکام اسلامی و تقلید از نظام مالی ساسانیان بود. در نتیجه به جز در موارد خاص و محدود، پذیرش اسلام تغییری در وضعیت مالیات دهندگان ایجاد نکرد. نتیجه این امر بروز نارضایتی عمومی بود.

اطلاعات مرتبط با عصر امویان غالباً تاریک و پراکنده بوده و آنچه در منابع مختلف اسلامی آمده، نمی تواند شرایط حاکم بر آن زمان را منعکس نماید. به علاوه مطالعات تاریخی در منابع اسلامی عموماً در بیان مواضع و تأثیرات اجتماعی به توصیف حوادث، رفتارها و متغیرهای بیرونی و اشخاص می پردازند. با این حال منابع متقدم اسلامی بهترین و مفیدترین اطلاعات را در اختیار ما می گذارند که از آن جمله می توان به *تاریخ یعقوبی* (د ۲۸۴ق)، *تاریخ طبری* (د ۳۱۰ق)، *اخبار الطوال* دینوری (د ۲۸۲ق) و *مروج الذهب* مسعودی (د ۳۴۶ق) اشاره کرد. مسائل اقتصادی اسلام معمولاً در کتب فقهی مطرح شده است (رک. اسماعیل پاشا، ۲۹۲/۲-۵۸۸). شاید به سبب اهمیت این موضوع بوده که ابن ندیم، ذیل عنوان "عمال خراج و ... (ابن ندیم، ۴) به ذکر اخبار حضور مسلمانان در شرق پرداخته است (همو، ۱۱۲).^۱ یکی دیگر از آثار مهم در این زمینه کتاب *الخراج* قدامه بن جعفر است. غیر از این، کتاب قاضی ابویوسف را می توان نام برد (د ۱۸۲ یا ۱۹۲ق) که مطابق فقه حنفی نوشته شده (سرکیس، ۴۸۹/۱) و نویسنده به ویژه در مقدمه کتاب به نقد غیر رسمی سیاست مالی امویان پرداخته است (ابن ندیم، ۲۵۶-۲۵۸). یکی دیگر از منابع مهم، *فتوح البلدان* بلاذری است که ابن عدیم آن را جامع کتب فتوح و احکام مالی می داند (سرکیس، ۵۸۵/۱). نویسنده دیگر ابوالوفاء بوزجانی نیشابوری است (متولد ۳۲۸ق) که متأسفانه کتابش از میان رفته و ابن ندیم اهمیت آن

۱. در این کتاب فهرستی از تألیفات مرتبط با احکام مالی در حوزه های مختلف اسلامی ارائه شده که صاحبان آنها حداقل در یکی از دو گروه فقها و صاحب دیوانی ها قرار داشته اند (ابن ندیم، ۱۰۰-۱۵۷، ۲۴۴، ۲۷۱)

را با عبارت "کتاب ما یحتاجُ إلیه العُمَالُ والکُتَّابُ مِن صناعه الحساب" بیان می کند (ابن ندیم، ۳۴۱). کتاب الاحکام السلطانیة ماوردی (د ۴۵۰ق) یکی دیگر از کتابهای مهم در این زمینه است که با ارائه تعاریف و اقسام مالیات و دیدگاههای فقهی بخش مهمی از احکام و سیاستهای اقتصادی دولتهای اسلامی را ترسیم می کند و این تحقیق از آنها استفاده کرده است. در بررسی این آثار معلوم می گردد، رویکرد آنان عموماً توجه به گزاره های تاریخی و بیان روایی نسبت به تحولات اقتصادی است که در لابلای روایات سیاسی و نظامی پنهان شده و به بهانه تحولات اجتماعی گذری هم بر اخبار اقتصادی داشته، بیش از همه به سیاستهای نظامی، مسائل ایرانیان و فتوحات اشاره کرده و گزارش تاریخی و بیان اقوال مختلف و اصالت افراد و آثار را اصل تحقیق گرفته اند.

برخی دیگر از پژوهشهای متاخر عبارتند از:

۱- کتاب: مالیات سرانه (دانیل دنت، ۱۳۴۰)، ایران در روزگار اموی (خطیب، ۱۳۷۸)، دولت امویان (طقوش، ۱۳۸۰)؛ خراج و نظام های مالی دولتهای اسلامی (الریس، ۱۳۷۳)، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین تا پایان امویان (ابوالقاسم اجتهادی)، امویان و تمدن اسلامی (محمدسپهری)، مالیات در اسلام (اعظم امینی، ۱۳۸۴).

۲- مقالات: "پژوهشی در سازمان مالی امویان" (سپهری ۱۳۸۰، پژوهش های دینی)، "سهم ایرانیان در دیوان سالاری خلافت شرق" (سپهری)، "پژوهشی در بیت المال" (رفیعی، ۱۳۸۵)، فرهنگ جهاد؛ "دستگاه مالی امویان با تکیه بر قلمرو شرقی خلافت" (سامانی)، "خراسان در دوران اسلامی" (قصابیان، مشکوه، ش ۵۷)، "ریشه یابی دلایل اصلاحات نصر بن سید در خراسان (محمدی ۱۳۹۲، پژوهش های تاریخی).

۳- پایان نامه: تاثیر عملکرد والیان اموی در اوضاع سیاسی و اقتصادی خراسان (صائب، ۱۳۹۱)، تکوین و تحول اقطاع در اسلام از آغاز تا پایان دوره امویان (موسوی، ۱۳۷۸) و قبایل عرب در خراسان در عصر اموی (عباسی، ۱۳۸۹، دانشگاه اصفهان).

در این دسته آثار به ویژه جای تعاریف و اصول، آراء، سیاستها و ساختارهای مالی - مالیاتی مغفول مانده و کمتر به همبستگی میان گفتمان دینی مبتنی بر آراء فقهی - حدیثی و گفتمان الهیات اجتماعی که اصول ناپیدای موثر در گزینش اخبار این دوره و توصیف و نقد آنها است؛ توجه شده و جای بسیاری از سوالات و یافته های این تحقیق در این آثار خالی

است. باید گفت چندگونگی و پیچیدگی گفتمان دینی حاکم بر جامعه اسلامی به شدت بر ساختارها، سیاستها و راهبردهای عصر اموی سایه افکنده و بالطبع دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی، تابعی از این قضایا بوده است. این تحقیق بر آن است تا با توجه به محدودیت اطلاعات و اختلاف نظرهای جدی پیرامون داده های تاریخی و چند دستگی گفتمان دینی مبتنی بر اجتهاد حاکم بر دوران مورد بحث و شکل گیری جریان های سیاسی نامتوازن که در ظهور تغییرات اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی را ایفا می کردند؛ ضمن نقادی و تنقیح داده های موجود به شفاف سازی مقوله رابطه مستقیم و عینی میان سیاست اقتصاد و گفتمان دینی را در عصر اموی تصریح نماید. از این رو مدعی است می تواند افقی دیگر را در مطالعات تاریخی ارائه کند. بدیهی است ارائه این مطلب بدون بیان تاریخی یا متون تاریخنگاری اسلامی امری ناقص و ناصواب خواهد بود. از این رو بیان مصادیق تاریخی در بسیاری از موارد نه تنها دلیل بر اطناب نیست که به خصوص در موضوع مورد بحث، محقق تاریخ را در تبیین و تنقیح قضایا یاری می رساند.

۱- عوامل مؤثر در تعیین منابع در آمد مالی امویان در خراسان

خراسان یکی از ایالات مهم امپراطوری ساسانی بود (دینوری، ۶۷) و شامل شهرهای نیشابور، هرات، مرو، مروود، فاریاب، طالقان، بلخ، بخارا، طوس، سرخس و ابیورد می شد (یعقوبی، ۱۷۶/۱-۱۷۷).^۱ این منطقه به دلیل قرار گرفتن در مسیر تجارت و عبور و مرور و برخوردار از امکانات طبیعی و انسانی برای حکومتهای مختلف اهمیت داشت. وجود دو نعمت آب و خاک همچون درّی ناب، این دیار را زینت داده و اسباب رونق معیشت و آبادانی بود (قزوینی، ۶۱۹-۶۱۸).

یکی از علل توفیق اقتصادی خراسان برخوردار از رودهایی بود که نقش مهمی در توسعه روابط فرهنگی و اجتماعی با جوامع دیگر و مبادلات تجاری داشت (مسعودی، بی تا، ۱۵۶؛ ابن بطوطه، ۳/۱، ۲۰۹) و رونق فلاحت، وجود کشتزارهای فراوان و باغستان ها (مستوفی، ۱۳۸۱، ۸۳)، محصولات متعدد کشاورزی و دامی مرهون وجود آن بود (مقدسی،

۱. تعریف محدوده جغرافیایی خراسان در این زمان با استناد به دسته بندی های یعقوبی انجام گرفته و ماوراء النهر جزئی از خراسان بزرگ است (یعقوبی، ۱۷۶/۱ به بعد).

۱۴۱۱، ۳۳۰-۳۴۰). رودخانه بلخ یا جیحون از معروفترین آبهای جاری در خراسان بود که از شهرهای مختلف عبور می کرد (مقدسی، ۱۴۱۱، ۲۸۸). مناطقی که در مسیر این رود قرار داشت سرسبز بود (مسعودی، بی تا، ۵۸). دیگری رود سیحون است که از معابر مهم و محل عبور و مرور کاروانهای تجاری بشمار می آمد (حموی، ۱/۳۹۴). رودهای جرجانیه، جگر بند، هزاراسب و دریاچه خوارزم از دیگر آبهای مهم منطقه خراسان بوده است (مقدسی، ۱۴۱۱، ۲۸۷).

با فرو ریختن هیمنه قدرت ساسانیان، راه ورود به ایران برای مسلمانان تسهیل شد. اما دسترسی به خراسان به عللی چون صعب العبور بودن، دوری از سرزمین اعراب و سیاستهای دستگاه خلافت خیلی آسان به نظر نمی رسید (بلاذری، ۱۳۳۷، ۱۶۰).

گرچه احکام فقهی مستخرج از کتاب و سنت بود، اما در برخی زمانها سیاست حکام و تعامل با اقوام دیگر در تحول نظام مالی نقش داشته است. این موضوع در دوران اموی شدت گرفت و بدعتهای بیشماری پدید آمد (همو، ۶۲۵-۶۲۷).

امویان نه در اندیشه و نه در عمل بر مبنای الگوی اسلامی عمل نکرده و بر خلاف ادعای خود از روش خلفای نخستین هم عدول کردند. پیوند نامطلوب و ناقص اندیشه سیاسی امویان با دین در همه ابعاد، اثر گذاشته و این دقیقاً همان میراث ناصوابی بود که از حکام پیشین به ارث جا مانده بود. در این زمان بیشتر مالیاتها به خزانه خلیفه ارسال می شود و بخش عمده آن صرف هزینه های درباری می شد (طبری، ۱۳۷۵، ۳۹۱۴/۹). از سویی نظام مالی- مالیاتی امویان به اصول خاصی پایبند نبود و آمد و شد خلفا و تغییر امیران در این ناپایداری سهیم بود (گردیزی، ۲۸۴)؛ لذا هر چه به پایان خلافت اموی نزدیک تر می شویم اضطراب در تصمیم گیری ها و فشار بر مردم در شرق، بیشتر و ضعف حکومت نمایان تر می شود (طبری، ۱۳۷۵، ۳۴۸/۷).

در ابتدای خلافت امویان، اداره امور شرق خلافت اسلامی و ادامه فتوح در این جانب تحت نظر حاکم عراق بود (بلاذری، ۱۳۳۷، ۳۱۱؛ ابن خلدون، ۵۶۳/۲). با این حال برخی خلفا خود نیز در این منطقه اعمال قدرت می کردند. به عنوان مثال به دستور معاویه نیروی عظیمی عازم خراسان شد تا موقعیت امویان را در خراسان استحکام بخشید. امویان نمی خواستند خراسان را از دست بدهند. به همین جهت از همان ابتدا، آنجا را به ۴ ربع تقسیم کرده و

دستور جدایی خراج خراسان از عراق و اتصال آن به شام را صادر کردند. این کار سبب نظارت و تسلط بیشتر امویان و درموارد متعدد مانع خودسری و سوء استفاده والیان می شد (بلاذری، ۱۳۳۷، ۵۷۷-۵۷۹؛ طبری، ۱۳۷۵، ۳۸۹۵/۹-۳۸۹۳، ۳۹۱۴).

ناتوانی عمال اموی در تعامل مناسب با مردم و ناکارآمدی نظارت و ارزیابی امور مالی، فساد، تبعیض و عدم عدالت اقتصادی در بخش توزیع از عوامل مهم در تضعیف قدرت و موقعیت آنان در شرق به شمار می آمد. چنانچه مسائل دیگری چون تورم، احتکار، وقوع بلاهای طبیعی، تعصبات قومی- نژادی و قوت گرفتن مخالفان اموی به اینها اضافه گردد؛ معلوم می شود اوضاع عمومی خراسان در اواخر دوره اموی ناخوشایند بوده و نارضایتی عمومی از مهمترین عوامل مقابله با امویان بوده است (مسکویه، ۴۰/۳؛ اخبار الدوله العباسیه، ۲۱۳). نتیجه این امر آن بود که خراسان دچار چالشهای بسیاری شد. اما این سوال هم مطرح است که با این توصیف چگونه منافع اقتصادی امویان در خراسان تأمین می شد؟ در پاسخ باید گفت؛ امویان در شرق اسلامی ساز و کارهایی را به کار گرفتند که در راستای تأمین اهداف سیاسی- اقتصادی آنان قرار داشت. برخی از اینها عبارتند از:

۱- سیاست تسکینی و حمایتی عمر بن عبدالعزیز: جنبشهای اجتماعی همزمان با خلافت عمر بن عبدالعزیز در خراسان شدت یافت و وی را بر آن داشت تا تصمیمات مهمی اتخاذ کند (ابن سعد، ۳۴۰/۵). بلاذری می نویسد عمر بن عبد العزیز به کارگزارش نوشت: "برای لشکریان، مقرری تعیین کن و بر تو است که شهرنشینان را دریابی" (بلاذری، ۱۳۳۷، ۶۳۹). به دستور همو جراح بن عبدالله حکمی، دست به اقداماتی نظیر ارائه تسهیلاتی به تازه مسلمانان و معاف کردن آنان از پرداخت جزیه، دلجویی از اسرای جنگی، منع رسم پیشکشی به امیران، ساخت کاروانسراها و تسهیل در عبور و مرور کاروانها انجام داد (ابن سعد، ۳۴۰/۵).

۲- سیاست عمرانی- توسعه ای برخی کارگزاران: آبادانی و سرسبزی این منطقه بیشتر به واسطه اقداماتی عمرانی و شهرسازی بود که توسط ساکنان و حاکمان پیشین انجام می شد (مقدسی، ۱۴۱۱، ۳۳۰). ادامه این حرکت توسط حکام بعدی بیانگر این نکته بود که با ساخت پل ها، رباطها و کاروانسراها و تقویت آبرسانی، بسترهای توسعه اقتصادی فراهم می گردد (مستوفی، ۱۳۶۴، ۲۳۵).

۳- احیاء و تقویت ایستگاههای تجاری: در خراسان ایستگاههای بین المللی مبادلاتی چون

رباط بدشخان، جیحون، بلخ، ترمذ و خوارزم قرار داشت (مسعودی، بی تا، ۵۶؛ گردیزی، ۲۸۴). اسد بن عبدالله قسری، امنیت تجاری ماوراءالنهر را تأمین و موقعیت بلخ را تا حدّ یکی از ایستگاههای مهم شرقی بالا برد. اشرس بن عبدالله حکمی رباطهایی را برای توسعه تجارت و امنیت راههای مواصلاتی ایجاد کرد. همچنین نصر بن سیار، نسبت به حفظ شهرها و ایستگاههای مرزی بی توجه نبود و پس از تصرف مجدد سمرقند و بخارا مانع خرابی آن شد (بلعمی، ۹۵۱/۴).

۴- استفاده از تجارب ایرانیان و نقش دهقانان: روند بهره مندی از تجارب مالیاتی ایرانیان تاثیر مستقیمی در نظام مالی خلافت گذاشت و مگر در موارد جزئی، شیوه مالیاتی ساسانیان پذیرفته شد. از عواملی که خلیفه را بر آن داشت تا از تجارب ایرانیان بهره مند شود (طبری، ۱۹۸۸، ۱۲۰/۵). گسترش قلمرو اسلامی، پرداخت عطایا و مواجب دیوانی و رسیدگی به امور بیت المال بود (ابویوسف، ۲۵). امویان با در اختیار گرفتن تجارت شرق و غرب سود بیشتری را عاید خود کردند (مسعودی، بی تا، ۱۵۳). عوامل دیگری که در رواج نظام مالی ایرانیان دخیل بود عبارتند از: بی تجربگی عمال اموی و مشارکت دهقانان و دبیران ایرانی در محاسبات دیوانی. نقش دهقانان در نظام مالی دوران اسلامی امری مهم و مورد توجه متون اسلامی و تحقیقات معاصر بوده است. دلیل این امر آن بود که این گروه از موقعیت و نفوذ اجتماعی برخوردار بودند و به واسطه تجارب مهمی که در محاسبات مالیاتی داشتند، مأموریت جمع آوری مالیات و انتقال به بیت المال به آنها واگذار می شد (بلاذری، ۱۳۳۷، ۵۶۹؛ مسکویه، ۲۶۶/۱-۲۶۸؛ طبری، ۱۹۸۸، ۳۴۴/۳-۳۴۶). دهقانان نقش مهمی در آشنایی فاتحان نسبت به دیوانها داشته و کار ارزیابی و جمع آوری مالیات بر عهده آنها بود. این امر علاوه بر صرفه جویی در برنامه ریزی های مالی-دیوانی، نتیجه بهتری را عاید امویان می کرد. این گروه نزدیکترین ارتباط را با منابع مالی و مالیات دهندگان داشتند و با ارائه اطلاعات، زمینه تسهیل در مدیریت اقتصادی را فراهم می آوردند (بلاذری، ۱۴۱۷، ۲۳۱-۲۳۵). گزارشهای منظم و دقیق و به ویژه اطلاعاتی که درباره زراعت و میزان محصول می دادند؛ برای اتخاذ تصمیمات لازم و جلوگیری از قرار گرفتن در مضیقه و قحطی بسیار مهم و ضروری بود (راوندی، ۶۸/۴-۶۷). شاهد این مدعا وجود دیوانهای متعدد در خراسان (حاکم، ۲۵۵-۲۵۶؛ جهشیاری، ۶۳-۶۴) و مشارکت فعال دبیران ایرانی در آن بود (ابن ندیم، ۱۴۵). باید گفت یکی از عوامل موثر در روند

فتوح و تثبیت جایگاه اعراب در شرق اسلامی دهقانان، اشراف زمیندار و حکمرانان محلی بوده است (مسکویه، ۲۶۶۱-۲۶۸). به علاوه اداره سرزمین وسیع و با اهمیتی چون خراسان ضرورت جلب مشارکت طبقات مختلف را دو چندان می کرد. دهقانان پیش از این و در زمان عمر بن خطاب شرط کردند که اگر منافعشان حفظ شود اعراب مسلمانان را یاری خواهند کرد (حاکم، ۲۰۲)؛ یا بازرگانان از نصرین سیار خواستند تا آنها را در مقابله با بخارا خدایه یاری رسانده و امنیت بازارها و منافعشان را تأمین کنند (خبارالدوله، ۳۰۱).

۵- اصلاح قواعد مالیاتی: اگرچه امویان سیاست تقلید از ساسانیان را در شرق دنبال می کردند (بلاذری، ۱۳۳۷، ۶۴۷)؛ اما به تدریج به این نتیجه رسیدند که باید در فرهنگ عمومی جامعه تحولی ایجاد کنند. سیاست تعریب و به دنبال آن ضرب سکه، تغییراتی در شیوه دریافت مالیات و نظام مالیاتی ایجاد کرد. حمایت و توسعه تجارت نقدی و سکه ای، تقویت مبادلات تجاری بدون واسطه کالاها در مراکز اقتصادی مستقیم و بازارها و امکان ضرب سکه توسط گروههای تولیدی - توزیعی (همو، ۱۳۳۷، ۶۵۳-۶۵۲)؛ بخش مهمی از معضلات مربوط به تجارت سنتی بود که در این دوران حل و فصل گردید.

برخی عمال اموی، برای تأمین امنیت عمومی، مأموران مالیاتی را عزل و کارگزارانی مقبول را منصوب کردند. مثلاً نصر بن سیار با انجام اقداماتی چون تنظیم امور خراج و تخفیف میزان مالیات، سعی در کاهش نارضایتی ها داشت. همچنین مال المصلحه به دستور او لغو گردید (بلعمی، ۴/ ۹۵۳). پیش از او جراح بن عبدالله حکمی اقدام به بازنگری انواع و میزان مالیات ها و تعیین فهرست جدیدی از مالیات دهندگان نمود (منهاج سراج، ۹۸/۱). در زمان سلیمان بن عبدالملک برخی از روشهای معمول مالیاتی لغو گردید (طبری، ۱۳۷۵، ۳۹۱۴/۹). نیز به دستور نصر بن سیار هر نوع مالیاتی از غیر مسلمانان که مسلمانان پرداخت می کردند، از اهل کتاب برداشته شد. روایت طبری این مسئله را تأیید می کند؛ به گزارش او: "هنوز جمعه بعد نرسیده بود که سی هزار مسلمان پیش وی آمدند که جزیه می دادند و معلوم شد که جزیه از هشتاد هزار کس از مشرکان برداشته شده بود. پس جزیه را بر مشرکان نهاد و از مسلمانان برداشت. پس از آن خراج را طبقه بندی کرد و به جای درست برد. آنگاه پرداختی را که مطابق صلح مقرر شده بود، اجرا کرد (همو، ۱۰/ ۴۲۶۸-۶۹).

۶- تقویت موقعیت اقتصادی اعراب مهاجر: گسترش قلمرو اسلامی و اسکان اعراب در

مناطقه مفتوحه فرصت مناسبی برای اعراب مهاجر بود. آنان در کنار برخورداری از نتایج فتوح، از امتیازات تجاری در خراسان بهره مند شدند و با قرار گرفتن در ردیف گروه‌های فعال، در گردش بازار اقتصادی خراسان مشارکت نمودند (حاکم، ۲۰۲-۲۰۰). با این حال یکی از مسائل مهمی که اعراب مهاجر همواره با آن مواجه بودند، اختلافات قومی- قبیله‌ای و مشاجره بر سر مسایل اقتصادی بود. این امر شاید چنانچه برخی اشاره می‌کنند در سرعت بخشیدن به کشورگشایی امویان نقش داشته است (خطیب، ۱۶-۲۱).

۷- اعمال سیاستهای نظامی در راستای منافع مالی: سیاست توسعه ارضی، باعث ایجاد امنیت مرزهای شرقی می‌شد و امکان غلبه بر آشوبهای داخلی و ایجاد مقبولیت در میان اعراب را برای امویان فراهم می‌آورد. این سیاست در دهه‌های پایانی قرن نخست هجری قوت بیشتری یافت (ابن اثیر، ۸۳/۴-۸۴) و در میان امیران خراسان قتیبه بن مسلم باهلی گوی سبقت را ربود (طبری، ۱۳۷۵، ۴۲۷۶/۱۰). وی از اختلافات قبیله‌ای برای تقویت قدرت خود بهره برد، طاغیان حکومتی را مجازات کرد و با فتح مرزهای شرقی بر سرمایه‌های عظیمی که در این مناطق وجود داشت؛ تسلط یافت (همو، ۳۸۸۹/۹).

۲- درآمدهای امویان در خراسان:

لی‌رغم تصریح و تعیین حدود عموم مسائل اقتصادی در آموزه‌های الهی، آنچه تحقیق در منابع درآمد مالی امویان را دچار اشکال می‌نماید؛ از یک سو ابهام و نقص اخبار موجود و تعاریف مختلفی است که نسبت به اصطلاحات وجود دارد و از سوی دیگر نوع مواجهه با احکام مالی و مناسبات اقتصادی آنان در خراسان است. در خصوص تفکیک منابع و جمع کل درآمدهای مالیاتی خراسان گزارش‌های دقیقی در دست نیست. بعضی از اخبار موجود مجموع مثل آنچه که مستوفی تحت عنوان حقوق دیوانی آورده (مستوفی، ۱۳۸۱، ۲۰۷) ذیل عنوان ایران و بدون تفکیک ایالات آن است چنانکه برخی دیگر را نمی‌توان به طور مشخص برای امویان به کار گرفت. به عنوان نمونه در گزارش یعقوبی خراج عراق و مضافات آن در ایران ۶۵۵/۰۰۰/۰۰۰ درهم است (یعقوبی، ۱۶۶/۲). از سوی اخبار مرتبط با خراسان ظاهراً در تعارض با یکدیگر است. قدامه بن جعفر درآمدهای خراسان را ۳۷/۰۰۰/۰۰۰ درهم می‌داند (قدامه، ۱۶۱-۱۶۳). در حالیکه مقدسی تنها مبلغ نقدی

خراج این ناحیه را ۴۴/۸۰۰/۹۴۳ درهم می داند و خراج جنسی و دیگر اقسام مالیاتی را از این رقم جدا کرده است (مقدسی، ۱۴۱۱، ۳۴۰) و بلاذری درآمد خراسان را در این زمان ۲۹۲/۴۹۷/۱۲۵ درهم ذکر می کند (بلاذری، ۱۳۳۷، ۳۰۶). به نظر می رسد در گزارش بلاذری، مجموع مبالغ نقدی و جنسی حاصل از مالیاتها و دیگر درآمدها که مقدسی آن ها را جدا کرده ، یک جا آمده است. از سویی گزارش قدامه اگرچه با مقدسی کمی تفاوت دارد؛ اما در هر حال آمار مالیات نقدی را بیان کرده است.

مهمترین مالیات هایی که کارگزاران اموی دریافت می کردند، عبارتند از:

۱-۲. زکات (صدقات): مالیات زکات از مسلمانان دریافت می شد. اگرچه برخی معتقدند موارد مصرف زکات منصوص است (ماوردی، ۱۳۸۳، ۲۶۳-۲۶۴) اما اختلاف نظرهای فقهی در خصوص موارد شمول، مصارف و قوانین اجرایی زکات وجود دارد.^۱ ماوردی می نویسد اگر کسی زکات را ترک کند به اجبار از اموال او اخذ می شود و اگر کسی مال خود را کتمان کند او را تعزیر می کنند (همو، ۴۴۳). اموالی که زکات از آنها دریافت می شود عبارتند از: زکات چهارپایان (مواشی)، کشت و زرع و میوه ها، اموال، معادن و خمس گنج (همو، ۲۳۸-۲۵۱، ۲۵۵). در منابع مختلف گاه به جای زکات از عباراتی چون خراج، جزیه، عشور، صدقات و غیره استفاده شده که برخی در ذیل زکات و برخی دیگر با آن متفاوت است (به عنوان نمونه نک. ابو عبید، ۱۹۳-۱۹۵). ماوردی هم چنین زکات را در دو قسم قرار می دهد. نخست زکات پنهان که از حقوق بیت المال به شمار نمی رود و جواز به مصرف رساندن زکات به صاحبانش داده شده است. دیگری زکات اموال آشکار است که شامل "عشر وضع شده بر کشت و زرع و میوه ها و چهارپایان" می شود. به نظر ابوحنیفه این اموال در زمره حقوق بیت المال قرار دارد و مصرف آن منوط به نظر حاکم است (ماوردی، ۱۳۸۳، ۴۲۷-۴۲۶)، ولی شافعی بر این عقیده است که عشور از اقسام زکات آشکار است (همو، ۴۳۳). با دقت در این آراء به دست می آید که هر یک به بخشی یا سهمی از موارد شمول زکات پرداخته اند. در این مقاله اگرچه برخی از اقسام مالیاتی امویان در خراسان در ذیل زکات قرار گرفته اما به صورت مستقل عنوان شده است.

۱. در خصوص موارد شمول و مصرف آن دیدگاههای مختلفی وجود دارد (ماوردی، ۱۹۶۶، ۱۵۰؛ امام خمینی، ۳۱۵/۱؛ عسکری، ۱۷۶/۲ -

۲-۲. خراج: خراج در لغت به معنی محصول زمین و غله بود و سپس در ردیف مالیات بر زمین قرار گرفت (ابن منظور، ۲۵۲/۲-۲۵۱). این مالیات پیش ازین در میان ایرانیان رواج داشت (همو، ۳۵۰). خلیفه دوم معتقد بود: "خراج مایه قدرت و توان مسلمانان بر جهاد گردد و نسل اندر نسل بتوانند به غزا روند و کشورگشایی" (بلاذری، ۱۳۳۷، ۶۳۹). خراج در دین اسلام از مصادیق فیه بوده و "عبارت است از حقوق وضع شده بر عین اراضی که به ازای آن پرداخت می شود" (ماوردی، ۱۳۸۳، ۳۰۱). ماوردی در بیان زمینهایی که خراج به آنها تعلق می گیرد می نویسد: "زمینهایی که ساکنانش بر آن مصالحه نمودند در حکم فیه قرار گرفته و خراج بر آنها مقرر می شود. این زمین ها خود در دو دسته قرار می گیرند: نخست آن که صاحبش آن را ترک کرده و بدون جنگ به دست آمده که وقف همه مسلمانان است و خراج بر آنها وضع شده (همو، ۳۰۳) بنابراین فروش آنها جایز نیست و وضع خراج بر آنها عنوان مزبها [کارمزد] دارد و در نتیجه با اسلام آوردن ساکنانش از آنان برداشته نمی شود و هم از مسلمان و هم از ذمی ستانده می شود" (همو، ۳۴۵؛ ابن زنجویه، ۱۵۴). دسته دوم زمین هایی است که مالکان آن با مسلمانان مصالحه کرده و در ازای خراج، این اراضی در دست آنها باقی مانده است (ماوردی، ۱۳۸۳، ۳۰۳). به تعبیر ماوردی تفاوت گروه دوم با اول در دو چیز است. نخست این که فروش آنها جایز است و دیگر آنکه این خراج عنوان جزیه داشت و با اسلام آوردن صاحبان زمین از آنها برداشته می شود و لذا مسلمانان این خراج را نمی پردازند (همو، ۳۴۵). در دوران اسلامی احکام خراج بسته به احکام حکومتی و چگونگی تصرف زمین متفاوت بود (ابوعبید، ۶۱۶). در میان منابع اسلامی مهمترین اخبار مربوط به خراج از بلاذری است که نظرات مختلف را در کتاب خود نقل می کند (بلاذری، ۱۹۸۸، ۴۲۹-۴۶۴، ۴۳۱-۴۸۱). با توجه به اهمیت خراج و اوضاع شریک اسلامی معلوم می گردد که این نوع، یکی از منابع مالیاتی امویان در خراسان بوده است. آنان برای دریافت خراج از روش مقاسمه استفاده می کردند که پیش از این در میان ایرانیان رواج داشت (ماوردی، ۱۳۸۳، ۳۴۹-۳۵۰). علت این امر آن بود که واگذاری این زمین ها به صاحبان اصلی آن برای این دولت سودآورتر و مفیدتر به نظر می رسید (اشپولر، ۵۳/۲). تایید مالکیت افراد از سوی امویان، تلاشی در جهت احیاء زمینهای زراعی از یک سو و بهره مندی از امتیاز ذمی بودن صاحبان آنها از سوی دیگر بود. عموماً خراج با در نظر گرفتن حاصلخیزی زمین، نوع آبیاری (ماوردی، ۱۳۸۳، ۳۰۷)،

محصول و مالکیت فرد محاسبه می شد. به نوشته گردیزی روش مقاسمه تا پیش از عباسیان در بلاد مختلف مرسوم بود (گردیزی، ۲۸۴). همچنین امویان در موارد متعدد زمین هایی را که در زمره فیء قرار داشت به عنوان حقوق یا هدیه واگذار می کردند. با استناد به نوشته بلاذری بخشی از زمین های خراسان در این دسته قرار می گرفت (بلاذری، ۱۳۳۷، ۳۰۸). مطابق با این معاهده عامل می بایست مبلغ معینی را به خزانه ارسال کند (ابویوسف، ۵۹). ماوردی اگرچه معتقد است حاکم می تواند صله هایی را که در راستای مصالح مسلمانان باشد از اموال فیء بپردازد. اما در عین حال اقدام امویان را در پرداخت هدایا و حقوق کارگزاران خود را از اراضی بیت المال قبول ندارد و می نویسد واگذاری یا اقطاع توسط حاکم تنها مربوط به جاهایی است که تصرف او در آن جایز یا دستوراو نافذ باشد (ماوردی، ۱۳۸۳، ۳۸۳). برخی دیگر از فقهای اهل سنت بر این عقیده اند که فیء به کسانی تعلق می گیرد که " هجرت می کنند، کیان اسلام را پاس می دارند، از حریم مسلمانان دفاع می کنند و با دشمن می جنگند" (همو، ۲۶۶-۲۶۷).

۳-۲. غنایم: فیء و شامل آن چیزهایی می شود که در جنگ از مشرکان به مسلمانان رسیده (داووی، ۴۲۲) و خمس آن به بیت المال اختصاص می یابد (ابن زنجویه، ۳۲۰). اما تفاوت فیء با غنیمت در آن است که مال فیء بدون زور و با رضایت به دست می آید در حالی که غنیمت با زور گرفته می شود. به علاوه موارد مصرف چهار پنجم غنیمت با چهار پنجم فیء تفاوت دارد (ماوردی، ۱۳۸۳، ۲۶۳-۲۶۴؛ ریس، ۱۰۰-۹۰). مطابق با آراء فقهی، فیء از حقوق بیت المال بوده و غنایم حق کسانی است که در جنگ با دشمن حضور داشته اند. از این رو حاکم اجازه دارد تا از خمس آن چنانچه از حقوق بیت المال است؛ برای مصالح عمومی مصرف کند (ماوردی، ۱۳۸۳، ۴۲۶-۴۲۷). این قاعده البته در قرن اول هجری رواج داشت (بلاذری، ۱۳۳۷، ۱۶۴)، اما امویان برخلاف معمول دستور می دادند غنایم، مستقیماً به خزانه وصول گردد (همو، ۶۳۲). مصداق این مدعا دستور معاویه به حکم بن صبیح (طبری، ۱۳۷۵، ۲۸۱۲/۷-۲۸۱۳) و سلیمان بن عبدالملک به قتیبه بن مسلم باهلی بود (همو، ۳۸۶۳/۹-۶۴).

خراسان در ثغر اسلام و کفر قرار داشت و حفاظت از مرزها و توسعه قلمرو اسلامی بخشی از مأموریت امیران این منطقه بود (ابن جوزی، ۳۴۷/۵). غلبه مسلمانان بر دشمن، غنایمی را نصیب آنها می کرد که غالباً مقدار آن قابل توجه بود (ابن خلدون، ۱۱/۳). اما زیاده

خواهی برخی امیران (ابن عبدربه، ۲۱۴/۴) و اصرار خلفا برای دریافت آن، یکی از مسائل مهم در عزل و نصب امیران و تمرد آنها به شمار می‌آید (طبری، ۱۳۷۵، ۲۸۱۱/۷-۲۸۱۲). غنایمی که از فتوحات عبیدالله بن زیاد در شرق (ابن جوزی، ۲۶۷/۵)، مقابله اسد بن عبدالله با خاقان (ابن جوزی، ۱۹۲/۷) و رویارویی قتیبه بن مسلم با هلی با ترکان به دست آمد (طبری، ۱۳۷۵، ۳۸۸۸/۹) قابل توجه بود.

۲-۴. جزیه: "جزیه مبلغ سرانه ای است که بر هر یک از اهل کتاب وضع می‌شود" (ماوردی، ۱۳۸۳، ۲۹۴) و منظور از اهل کتاب یهودیان و مسیحیان و مجوسیان و صابئان هستند. جزیه تنها بر مردان آزاد عاقل واجب است و زن و کودک و دیوانه و برده وابسته از پرداخت آن معاف هستند. جزیه سالی یکبار دریافت می‌شود و به نظر ابوحنیفه با مسلمانی و مرگ اسقاط می‌گردد. با پرداخت جزیه توسط ذمی؛ فرمانروای مسلمان موظف می‌گردد تا از ایشان حمایت و دفاع کند و مانع تعرض دیگران شود. بعضاً در قرارداد جزیه شروطی تعیین می‌شود که برخی از آنها الزامی و برخی دیگر استجابی است (همو، ۲۹۹-۲۹۵).

با توجه به شرایط شرف اسلامی و وجود زمین (مجوسیان) در آن، جزیه یکی از منابع مهم مالیاتی به شمار می‌آید. امویان در مقطعی از زمان و به خلاف احکام دینی، از تازه مسلمانان جزیه می‌گرفتند. در میان خلفای اموی تنها عمر بن عبدالعزیز بود که این قانون را لغو کرد (ابوعبید، ۶۰). اما این سیاست ناپایدار بود؛ چرا که کارگزاران توجهی به رعایت دستورات دینی نداشتند و مطابق با نظام مالی امویان، برخی مالیات‌ها مقطوع بود و چون دهقانان موظف به وصول کامل آن بودند؛ اسلام آوردن فرد تأثیری در معافیت او نداشت (نرشخی، صفحات مختلف). علاوه بر این مالیات زمین‌های اهل ذمه که مالکیت آنها باقی مانده بود؛ تحت عنوان جزیه دریافت می‌شد (ماوردی، ۳۴۵). این نابسامانی در اواخر امویان شدت یافت تا جایی که به نوشته طبری؛ ۳۰ هزار مسلمان، مالیات سرانه ۸۰ هزار غیر مسلمان را پرداخت می‌کردند (طبری، ۱۳۷۵، ۴۲۷۰/۱۰). این موضوع نقش مؤثری در نارضایتی مردم و ظهور برخی جنبشهای اجتماعی در خراسان داشت (همو، ۴۰۹۴/۹؛ بلاذری، ۱۳۳۷، ۳۱۸).

۲-۵. عشور: عشور در اصطلاح فقهی دو نوع است یکی عشور الزکاة که مرتبط با محصولات زراعی است و دیگری مالیاتی است که از اموال تجاری کفار دریافت می‌شود (داووی، ۴۲۲). عشور زمین در مالکیت و احکام با زمین خراجی تفاوت دارد (ماوردی، ۱۳۸۳،

۳۰۲). در این مقاله با توجه اهمیت عشور در نظام مالی امویان و قواعد مرتبط با آن، این مقوله به صورت مستقل آمده و آنچه معلوم است این که عشور در زمره زکات قرار داشته است. اراضی عشر شامل سه گروه از زمین ها می شد. دسته نخست زمین هایی که مسلمانان آن را احیاء می کردند (همو، ۳۴۵). دسته دوم "ارضی که ساکنان آن اسلام آورده اند". این دسته در صورتی شامل عشر می شدند که از ابتدا در محدوده خراج نبوده اند. دسته سوم زمین هایی که مسلمانان آن را به غنیمت و زور و غلبه از مشرکان گرفته اند (ماوردی، ۱۳۸۳، ۳۳۹). یکی از عوامل موثر در این نوع مالیات، شیوه آبیاری زمین است. ابو عبید معتقد است عشر شامل یک دهم از محصولات زراعی بود که از آبهای زیر زمینی کشت می شود (ابو عبید، ۱۹۳-۱۹۵). به قولی دیگر آن دسته اراضی که با آب های جاری (اعم از رودها و آبهای زیر زمینی) آبیاری می شود، مالیات عشور به آن تعلق می گیرد (ابن فندق، ۳۹).

مردم خراسان آب خود را از طریق حفر قنات و چاه تامین می کردند. نتیجه این امر آن بود که کشاورزی رونق یافته و محصولات مختلف کشت می شد. در میان شهرهای خراسان، بیشترین تعداد قنات در نیشابور قرار داشت (حاکم، ۲۱۴؛ مستوفی، ۱۳۸۱، ۲۰۷-۲۱۰) و اسفراین، جوین، بادغیس و سبزوار پس از آن بودند (ابن فندق، ۳۵). هر کدام از مناطق خراسان در کاشت انواعی از محصول معروف بودند که از آن جمله می توان به انواع مختلف انگور (مستوفی، ۱۳۸۱، ۲۱۰-۲۱۵)، انجیر، انار، پنبه، شفتالو، زعفران، سیب، به، خربوزه (اصطخری، ۲۱۰-۲۰۸) و ترنج اشاره کرد (مستوفی، ۱۳۸۱، ۸۳). این محصولات بیشتر از همه در شهرهای اسفراین، بیهق، فاریاب، مرو، سرخس (همو، ۲۰۷-۲۲۳) و نیشابور کاشت می شد (حاکم، ۲۱۲؛ ابن فندق، ۴۳).

۶-۲. صوافی: صوافی اراضی متعلق به شاهان و خاندان ایشان بود که به خلیفه اختصاص می یافت (یعقوبی، ۱۵۸/۲-۱۶۹) و با اجازه او مصرف می شد. برخلاف آنکه برخی اقطاع اراضی دائر را جائز ندانسته و مصرف آن را مقید به چگونگی دریافت محصول می دانند؛ اما از زمان خلیفه سوم این دسته از اراضی، به صورت اقطاع اجاره داده می شد و این شیوه توسط امویان ادامه پیدا کرد. دلیل این امر از یک سو عایدات روز افزون این اراضی و تأمین هزینه صلح و عطایای خلیفه از سوی دیگر بود (ماوردی، ۱۳۸۳، ۳۸۹). امویان راههای مختلفی را برای اثر بخشی یا سودآوری بیشتر صوافی به کار می گرفتند. مثلاً بخشی از اموال را در ازای

- مال الاجاره به عمال محلی می دادند و در مواردی هم هزینه هدایا، بخشش و مواجب دیوانی را از این راه تأمین می کردند (الریس، ۱۱۹-۱۲۷، ۱۴۵). مُخَلَّد بن یزید بن مُهَلَّب در ازای شعری که در مدح او سروده شد، ۱۰ هزار درهم عطا کرد (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ۴۰۶/۱۶).
- ۲-۷. مال الصلح: به مال مشخصی که از ابتدا با غیر مسلمان توافق می شد، مال الصلح می گفتند (حاکم، ۲۰۶؛ طبری، ۱۳۷۵، ۳۵۶/۳). به نظر ابوحنیفه این مال باید به طور کامل دریافت شود و چنانچه فردی اسلام بیاورد از مقدار آن کم شود (ماوردی، ۱۳۸۳، ۳۰۴). مال الصلح هم به صورت نقدی و هم جنسی بود (ابن اعثم، ۱۰۶/۲). مبلغ مال الصلح مطابق با اهمیت شهر و چگونگی تصرف آن متفاوت (خلیفه بن خیاط، ۹۵) و از ۱۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار درهم بود (طبری، ۱۳۷۵، ۳۹۳۰/۹). به عنوان مثال مبلغی که بر اساس آن قتیبه با غوزک؛ پادشاه اخشید و نواحی اطراف آن صلح کرد ۳۰۰۰ درهم بود که غوزک می بایست هر ساله آن را پرداخت می کرد (بلاذری، ۱۳۷۷، ۲۹۶). نیز مبلغی که یزید بن مهلب بر اساس آن با اصطهبند جرجان صلح کرد؛ ۷۰۰ هزار درهم و ۴۰۰ پیمان زعفران بود (همو، ۳۲۸). این اموال جزء درآمدهای خراسان به شمار می رفت و یزید بن مهلب در عزیمت به شام بخشی از آن را به همراه دیگر درآمدها که مجموعاً ۲۵ میلیون درهم می شد؛ به سلیمان بن عبدالملک داد (همو، ۳۲۹). این مالیات سهم وسیعی از منابع درآمد مالی را به خود اختصاص داده و گاه میزان آن با دیگر مالیاتها برابری می کرد (بلعمی، ۹۵۳/۴). امویان مال الصلح را به عنوان حق السکوت از مخالفان و خوانین محلی دریافت می کردند (طبری، ۱۳۷۵، ۳۹۳۰/۹).
- ۲-۸. مصاید: این دسته شامل مالیاتی بود که از محصولات دریایی مثل ماهی، مروارید، مرجان و لؤلؤ دریافت می شد (خوارزمی، ۶۱-۶۲).
- ۲-۹. ثمارات: این نوع مالیات شامل باغات، مرغزارها و ینابیع بود (حاکم، ۲۱۷) و در زمره اقسام زکات قرار می گرفت (ماوردی، ۱۳۸۳، ۲۵۵). باغستان های خراسان به خاطر برخورداری از دو نعمت آب و هوای معتدل سرشار از دشت و کشتزار بود. شهرهایی چون اسفراین، هرات (مستوفی، ۱۳۸۱، ۲۰۷-۲۲۳) و نیشابور از بیشترین و بهترین باغات و مرغزارها برخوردار بودند. مالکان موظف بودند علاوه بر پرداخت زکات، حق المال نوع زراعت را پرداخت کنند (حاکم، ۲۱۲).
- ۲-۱۰. مالیات معادن: مالیات معادن در ذیل زکات قرار می گرفت (ماوردی، ۱۳۸۳، ۲۵۵)

و خراسان سرزمین زرخیز و دارای معادن و سنگهای گرانبها بود که از آن مالیات دریافت می شد (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲/۴۲۴-۴۲۶).

۱۱-۲. مکوس: مالیاتی بود که کارگزاران دولتی در هنگام خرید و فروش برخی چیزهای مشخص یا ورود افراد به شهر مطالبه می کردند. این نوع مالیات مخالف اسلام بود و جایگاه کسی که این مالیات را استیفا کند (صاحب المکس) در جهنم دانسته شده است (ابوعبید، ۶۳۲-۶۳۳).

۱۲-۲. مالیات تجارت: اعراب با این نوع مالیات از قبل آشنا بودند و آن را به مناطق دیگر تحمیل کردند. عوارض اموال بازرگانان اعم از مسلمان و غیر مسلمان، رفت و آمد کاروان های تجاری به مرزهای اسلامی، گمرکات مالی که از دارالحرب وارد می شد و حق المال فروشندگان در ردیف این مالیات قرار می گرفت (ابن منظور، ۲۲۰/۶). میزان مالیات با نوسان قیمت کالا ارتباط داشت (همو، ۲۲۰/۶). طبق قاعده از کفار غیر ذمی یک دهم، از کفار ذمی یک بیستم و از مسلمانان یک چهلم مال تجاری دریافت می شد (زیدی، ۲۲۰).

در دوران اسلامی قدرت تجاری مسلمانان در مناطق مختلف گسترش یافت و بازارهای محلی، منطقه ای و بین المللی وسیعی برپا شد (بلاذری، ۱۳۳۷، ۲۲). در نتیجه شاهراههای مواصلاتی جدیدی شکل گرفت (مسعودی، بی تا، ۱۵۳-۱۵۴) و بازار فروش محصولات داخلی و مبادله ای در ایستگاههای تجاری رونق یافت (گردیزی، ۲۸۴؛ مسعودی، بی تا، ۱۵۴). امویان درصدد بودند تا تجارت شرق و غرب را تحت سیطره خود درآورند و کسانی چون قتیبه باهلی سعی داشتند تا تصویری دیپلماتیک از این سیاستها ارائه دهند (طبری، ۱۳۷۵، ۳۸۸۹/۹). اگرچه به تدریج ضعف ساختار سیاسی حاکم بر امویان در مسائل اقتصادی هم نمودار گشت (اخبار الدوله، ۳۰۱). اما در همین ایام در خراسان، نصر بن سیار کوشید تا با جلب مشارکت بازرگانان و حمایت از آنان، نیازهای مالی خلافت را تأمین کند. از سوی دیگر مطالبه تجار و دلالت کالا، وی را در اتخاذ سیاستهایی برای تعامل بیشتر با این گروه مصمم ساخت. برای مثال می توان به تقاضای بازرگانان بخارایی از نصر بن سیار برای حفاظت از بازارهای شرقی اشاره کرد (طبری، ۱۳۷۵، ۳۹۱۰/۹-۳۹۱۱).

۱۳-۲. مصادره: مصادره اموال بزرگان، ثروتمندان و کارگزاران دولتی که مورد غضب خلیفه یا امیر عراق بودند یکی از منابع مهم مالیاتی امویان بود. در چنین شرایطی فرد مذکور، به

سرعت از مقام خود عزل و جان و مال او در معرض مصادره و حمله فرصت طلبان و طمعکاران قرار می گرفت (بلاذری، ۱۹۸۸، ۴۱۲-۴۱۱) و اموال او به خزانه واریز می شد (قمی، ۱۲۸). از کسانی که بدین سرنوشت دچار شدند: اسلم بن زرعه (ابن اثیر، ۵۲۱/۳)، جراح بن عبدالله (وکیع، ۲۶۴/۱-۲۶۳)، عاصم بن عبدالله (ابن جوزی، ۱۷۴/۷)، قتیبه بن مسلم و آل مهلب (بلاذری، ۱۹۸۸، ۴۱۲-۴۱۱؛ یعقوبی، ۳۰۲/۲ و ۲۸۷) بودند. مصادره اموال و دارایی دیگران اعم از دهقانان و بزرگان محلی هم در فهرست غارتگری امویان در خراسان قرار دارد (همو، ۲۰۲/۲؛ ابن اثیر، ۲۵۱/۱۳-۲۴۹).

۲-۱۴. حق ضرب سکه: پس از اسلام، تجارت پولی به موازات بازرگانی مبادله ای گسترش یافت و فرصتی ایجاد شد تا حکومت اموی با در دست گرفتن بازار پول، کسری بودجه خود را جبران نماید. ضرب سکه در شرق خلافت اسلامی از آن جهت حائز اهمیت بود که پیش از این دارالضربهای متعددی در آن وجود داشت و «درهم را عجمان سکه می زدند» (بلاذری، ۱۳۳۷، ۶۴۷-۶۴۸) و حتی برخی شهرهای خراسان مثل مرو، مالیات خود را به صورت نقدی می پرداختند (همو، ۵۶۵).

باید گفت اصرار بر استقلال در ضرب سکه گامی مهم در راستای تحقق سیاست تعریب اموی و در دست گرفتن بازار گردش اقتصادی آن زمان بوده است. نخستین اقدام عملی برای تنظیم بازار سکه و ورود آن به عرصه محاسبات مالیاتی از سوی حجاج بن یوسف انجام گرفت و به دستور وی در همه نواحی سکه ضرب شد. سیاست امویان این بود که از این راه سودی عاید دولت شود. بلاذری می نویسد: «حجاج ... ضربخانه ای پدید آورد ... و به ضرب سکه برای حکومت پرداخت". به تبع آن کارگزاران خراسان، دارالضربهای جدیدی بر پا کرده؛ به بازرگانان، سوداگران و متنفذان محلی اجازه دادند تا در ازای پرداخت مبلغی، سکه بزنند (همو، ۶۵۲).

۲-۱۵. عوارض عبور و مرور: خراسان از ایالات بزرگ شرق اسلامی بود و جاده های فراوان و عظیم آن امکان رفت و آمد میان مناطق شهری و روستائی و داد و ستدهای عظیم و لشکرکشی های سرنوشت ساز را فراهم می آورد. این گذرگاهها به ویژه از منظر اقتصادی اهمیت بسیاری داشت. کارگزاران اموی، عوارض عبور و مرور را در قالب مالیات از مردم دریافت می کردند. مقدسی می نویسد: "هیچ غلامی بدون مجوز ویژه سلطان حق عبور از آب

را ندارد. همراه جواز ۷۰-۱۰۰ درهم دریافت می کنند و همین مبلغ از کنیزان دریافت می شود ولی اگر ترک باشد جواز لازم نیست. ۲۰ تا ۳۰ درهم از زنان و از شتر دو درهم و از کالای هر سواری یک درهم دریافت می کنند". اضافه بر این حق عبور "شمش" (طلا) داده نمی شد و چنانچه در میان وسایل، در خانه باشد؛ نیم تا یک درهم باید پرداخت شود (مقدسی، ۱۴۱۱، ۳۴۰-۳۴۱). به گفته بلاذری، قتیبه عاملی را بر روی رود سمرقند گماشته بود تا جواز عبور صادر کند (بلاذری، ۱۳۳۷، ۶۵۸).

۲-۱۶. هدایا: ایرانیان پیش از اسلام، هدایایی را به شاهان و امیران پیشکش می کردند. این رسم در زمان امویان هم ادامه یافت. به نظر می رسد با افزایش تعداد مسلمانان و افزایش نیازهای درباری، مقرر گردید تا عطایا و هدایا به عنوان یک مالیات مستقل دریافت شود تا ضمانت امنیت افراد و تأمین هزینه های دیوانی باشد. اقدام نصر بن سیار در بخارا در این راستا قرار داشت. دهقانان و بازرگانان در رأس این گروه قرار داشتند (یعقوبی، ۲۱۸/۲؛ حاکم، ۲۰۱). گاه هدایا در زمان ورود امیران خراسان به شهری تقدیم می شد که از معروفترین آنها هدیه دهقان هرات به اسد بن عبدالله قسری است که معادل یک میلیون درهم می شد (ابن اثیر، ۲۱۶/۵). آنچه که به نصر بن سیار اعطا شد هم کمتر از این نبود (ابن جوزی، ۷/ ۲۴۲).

۲-۱۷. طعمه: طعمه نوعی اعطای حق بهره برداری از محل عواید دولتی بود که به عنوان موجب و پاداش و به صورت موقت و دائمی از سوی حاکم به فرد یا گروهی که وابسته به خاندان حکومتی بودند، واگذار می گردید و ضمن آنکه حق بهره برداری و دسترسی به امکانات محلی و تأمین هزینه های مورد نیاز به فرد داده می شد (خوارزمی، ۶۱-۶۲)؛ او را موظف می کردند مبلغی را به عنوان مالیات به حکومت بپردازد (گردیزی، ۲۸۴). با استفاده از اخبارتاریخی باید گفت این نوع مالیات به تبعیت از قواعد سنتی و محلی اخذ می شده است (بلعمی، ۹۵۳/۴). اقدام عبدالملک بن مروان در واگذاری اختیار بهره برداری عبدالله بن خازم سلمی از سود عاید از درآمدهای خراسان از این نمونه است (طبری، ۱۳۷۵، ۵۳۲/۳).

۲-۱۸. مراعی: خراسان در زمینه دامپروری از شهرت و اهمیت فراوانی برخوردار بود (مقدسی، ۱۳۶۱، ۴۲۴/۲-۴۲۶). اگرچه مالیات بر چهارپایان یکی از اقسام مالیات زکات به شمار می آمد، اما مراعی یعنی زمینهای که به عنوان مرتع استفاده می شد هم شامل مالیات می شد (خوارزمی، ۶۱-۶۲). باتوجه به تعدد مراتع خراسان می توان حدس زد میزان مراعی قابل

توجه باشد (حاکم، ۲۱۶). از گزارش گردیزی استنباط می شود که مبلغ این مالیات در زمان امویان سنگین تر از عباسیان بوده است (گردیزی، ۲۸۴).

۲-۱۹. عمائر و بازارها: در کنار رودهای معروف خراسان، آسیابها و بناهایی برپا می شد که هر یک نشانه ای از رشد شهرنشینی و آبادانی بود (مستوفی، ۱۳۸۱، ۲۰۷-۲۱۰). به روایت مستوفی تنها در نیشابور ۴۰ آسیاب آبی وجود داشت (مستوفی، ۱۳۸۱، ۲۰۸-۲۱۱). نیز رباطها که از معروفترین آنها رباط بدخشان و بلخ بود (مسعودی، ۱۵۶، ۱۵۳) و کاروانسراها و بازارهای متعددی در شهرهای مرزی سغد، مرو، سمرقند، بخارا و هرات قرار داشت (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲/۴۲۴-۴۲۶؛ اصطخری، ۲۱۰-۲۰۷) که منبع مالیاتی دولتیان بوده است (مستوفی، ۲۰۸-۲۱۱). نوشته بلاذری مبنی بر این که مالیات بازارها در زمان جراح حکمی لغو گردید (بلاذری، ۱۳۳۷، ۶۲۲)، دلیلی بر دریافت این مالیات در زمان امویان می باشد.

نتیجه

۱. از احکام فقهی برخی مذاهب اسلامی چنین استنباط می شود که اگرچه کتاب و سنت یکی از منابع استخراج مسائل بوده، اما در برخی زمانها سیاست حکام و تعامل با اقوام دیگر در تحول نظام مالی نقش داشته است. نظام مالی امویان تابع ساسانیان بود و دهقانان و دیوران ایرانی در تثبیت و تقویت این مهم نقش به سزایی داشتند.
۲. بخش مهمی از سیاست مالی امویان در خراسان با تغییر احکام اسلامی انجام گرفت. در نتیجه به جز در موارد خاص و محدود، پذیرش اسلام تغییری در وضعیت مالیات دهندگان ایجاد نکرد. پیامد این امر گسترش نارضایتی های عمومی و ظهور جنبشهای اجتماعی بود.
۳. امویان در شرق اسلامی ساز و کارهایی را به کار گرفتند که در راستای تامین اهداف سیاسی- اقتصادی آنان قرار داشت. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: سیاست تسکینی و حمایتی برخی خلفا، سیاست عمرانی- توسعه ای برخی کارگزاران، احیاء و تقویت ایستگاههای تجاری، بهره برداری از تجارب ایرانیان و نقش دهقانان در نظام مالی، توسعه ارتباطات سنتی، اصلاح قواعد مالیاتی، اعمال سیاستهای نظامی.
۴. منابع مالیاتی امویان در خراسان با شرایط جغرافیایی، وضع معیشت، موقعیت اجتماعی افراد و ساختار سیاسی حاکم بر خلافت اموی نسبت مستقیمی داشت که سبب تنوع و تعدد

منابع در آمد مالی امویان می شد. این امر بیانگر سیر تحول عمده منابع در آمد مالی از صدر اسلام تا دوران اموی است. عمده درآمدهای مالی امویان از موارد زیر به دست می آید: زکات، خراج، غنایم، جزیه، عشور، حق ضرب سکه، عوارض عبور و مرور، صوافی، مکوس، مصاید، ثمارات، مالیات برمعدن، عمائر و بازارها، تجارت، مصادره، طعمه و هدایا.

کتابشناسی

- قران کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای.
- ابوالفرج الاصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق احمدصقر، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
- ، *الانغانی*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ابو عبید، قاسم بن سلام، *الاموال*، مؤسسه الناصر، بیروت، ۱۹۸۱م.
- ابویوسف، *الخراج و صناعه الكتابه*، المعرفه، بیروت، ۱۳۰۲ق.
- انصاری، شمس الدین محمد، *نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر*، اساطیر، تهران، ۱۳۸۱.
- ابن اعثم، احمد، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- ابن اثیر، علی، *الکامل فی التاریخ*، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ق.
- ابن بطوطه، *رحله ابن بطوطه*، اکادیمیة المملکه المغربیه، رباط، ۱۴۱۷ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن، *المتنظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ابن خلدون، *العبر و دیوان المتبداء و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشان الأكبر*، تحقیق خلیل شحاده، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- ابن زنجویه، *الاموال*، تحقیق ابو محمد الأسیوطی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۷ق.
- ابن سعد، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبد القادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ق.
- ابن فندق، *تاریخ بیهقی*، کتابفروشی فروغی، بی جا، ۱۳۶۱.
- ابن عبدربه، *العقد الفرید*، تصحیح مفید محمد مقیمه، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، *لسان العرب*، نشرالادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ق.
- ابن ندیم، محمد، *الفهرست*، ترجمه احمد رضا تجدد، بی نا، بی جا، بی تا.
- أخبار الدوله العباسیه و فیه أخبار العباس و ولده*، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبد الجبارالمطلبی، دار الطلیعه، بیروت، ۱۳۹۱ق.

- إسماعیل باشا البغدادی، *إيضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۳۹ق.
- اشپولر، برتولد، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، مریم میراحمدی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
- اصطخری، مسالک و ممالک، ترجمه محمد تستری، محمود افشار، بی نا، تهران، ۱۳۷۴.
- امام خمینی، روح الله، *تحریر الوسيله*، دارالتعارف، بیروت، بی تا.
- بلاذری، احمد، *فتوح البلدان*، دارالمکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۸۸ق.
- ، *أنساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار، ریاض زرکلی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
- ، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، نقره، تهران، ۱۳۳۷.
- بلعی، *تاریخنامه طبری*، تحقیق محمد روشن، سروش، تهران، ۱۳۷۸.
- جهشیاری، محمد، *الوزراء و الکتاب*، دارالفکر الحدیث، بیروت، ۱۹۸۸ق.
- حاکم نیشابوری، *تاریخ نیشابور*، آگه، تهران، ۱۳۷۵.
- حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، دار صادر، بیروت، ۱۹۹۵.
- خلیفه بن خیاط، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- خوارزمی، محمد، *مفاتیح العلوم*، ترجمه حسین خدیوجم، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۷.
- داووی، احمد بن نصر، *الأموال*، تحقیق محمد احمد و علی جمعه، دارالسلام، قاهره، ۱۴۲۷ق.
- دینوری، ابوحنیفه، *الأخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، الرضی، قم، ۱۳۶۸.
- راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، نگاه، تهران، ۱۳۸۲.
- الرئیس، ضیاءالدین، *خراج و نظامهای مالی دولتهای اسلامی از آغاز تا نیمه دوم قرن سوم*، ترجمه فتحعلی اکبری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۳.
- رئیس نیا، رحیم، *از مزدک تا بعد*، انتشارات پیام، بی جا، ۱۳۵۸.
- زیدی، محمدحسین، *الحیاء الاجتماعیه و الاقتصادیه فی الکوفه فی القرن الاول الهجری*، جامعه بغداد، بغداد، ۱۹۷۰م.
- خطیب، عبدالله، *ایران در روزگار اموی*، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، رسالت قلم، تهران، ۱۳۷۸.
- سرکیس، یوسف، *معجم المطبوعات العربیه*، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ق.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابو القاسم پاینده، اساطیر، تهران، ۱۳۷۵.
- ، *تاریخ الرسل و الملوک*، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۹۸۸م.

عبداللهی، رضا، «تقویم خراجی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره اول، ۱۳۶۱.

عسکری، مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه النعمان، بیروت، ۱۴۱۰ق.

قدامه بن جعفر، کتاب الخراج و صناعه الكتاب، دارالرشید، بی جا، ۱۹۸۱م.

قزوینی، زکریا، آثار البلاد و اخبار العباد، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۳.

قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، توس، تهران، ۱۳۶۱.

گردیزی، عبدالحی، زین الاخبار، تحقیق عبدالحی حبیبی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳.

ماوردی، ابوالحسن، الاحکام السلطانیه، مکتبه و مطبعه البابی قاهره، بی تا.

-----، آیین حکمرانی، ترجمه حسین صابری، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.

مستوفی، حمدالله، نهضة القلوب، تحقیق محمددبیر سیاقی، حدیث امروز، قزوین، ۱۳۸۱.

-----، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین نوایی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴.

مسعودی، علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، دارالهجره، قم، ۱۴۰۹ق.

-----، التنبیه و الاشراف، تصحیح اسماعیل صاوی، دارالصاوی، قاهره، بی تا.

مسکویه، ابوعلی، تجارب الامم، تحقیق ابوالقاسم امامی، سروش، تهران، بی تا.

مقدسی، محمد، أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، ترجمه علینقی منزوی، مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱.

-----، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، مکتبه مدبولی، بی جا، ۱۴۱۱ق.

منهاج سراج، طبقات ناصری، تحقیق عبدالمحمد حبیبی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳.

نرخچی، محمد، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصرأحمدالقبای، تحقیق محمدتقی مدرس رضوی، توس، تهران، ۱۳۶۳.

وکیع، محمد، اخبار القضاة، عالم الكتاب، بیروت، بی تا.

یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، مؤسسه النشر و فرهنگ اهل بیت (ع)، قم، بی تا.